

مجتهد شبستری و مناظره با علما

محمد مجتهد شبستری، اخیراً، نوشته نیکویی درباره چرایی دعوت از مراجع تقلید به مناظره درباره حدود و ثغور فقاقت و صدور فتوا در روزگار کنونی و چرایی نپذیرفتن و عدم تمکین ایشان منتشر کرده است. شبستری، با ملاحظه جمیع جوانب، بر آن است تا با صاحبان فتوا در این باب مباحثه کند تا آثار و نتایج روشن، ملموس و مؤثری بر آن مترتب باشد؛ نه افرادی در مراتب و موقعیت های دیگر. امیدوارم، در میان مدت و آینده نه چندان دور این مهم محقق گردد.

پالایش و بازخوانی انتقادی سنت دینی، رکنِ رکن «نواندیشی دینی» است؛ هر یک از نواندیشان دینی متاخر، در دو سه دهه اخیر، به سهم خویش در این باب آثارچندی منتشر کرده اند. مباحثه و دیالوگ انتقادی با حافظان شریعت و صاحبان فتوا، در این میان راهکار مناسب و رهگشایی است....

دوستان و عزیزانی که مایلند نوشتار جناب شبستری را بخوانند، می توانند به لینک زیر مراجعه کنند

سایت خبری تحلیلی زیتون

۰۵ دی ۱۳۹۵

چرا مراجع تقلید را به مناظره طلبیدم و چرا آنان نیامدند؟

محمد مجتهد شبستری

۱- قریب چهل سال است مراجع تقلید حکومتی ایران «قرائت رسمی غیر معقول و خشونت پرور از کتاب و سنت» را در ایران پشتیبانی، ترویج و تئوریزه می کنند. محیط آنان با انواع قداست‌ها و القاب توهم آور چنان آراسته شده که گویی آراء و افکار و فتاوی و مواضع سیاسی و اجتماعی آنان فوق هر گونه پرسش و انتقاد قرار دارد. آنان که مدعی تولیت بر دین تولیت ناپذیر اسلام هستند مستقیم و غیر مستقیم هر سخن نو در باب دین و تفسیر کتاب و سنت را که با آموزه‌های سنتی آنان نمی سازد القاء شبهه، بدعت گذاری و انحراف می نامند. تکیه گاه تئوریک همه فشارهای گوناگون که از سوی نهادهای متعدد برای محدود و منزوی کردن صاحبان آراء و اندیشه‌ها نو در باب دین، اعمال می شود آن آراء و فتاوی فقهی است که از قلم و زبان آن مراجع صادر می شود. در حال حاضر آن مراجع دینی در پیدایش خسارت‌های کلان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی و معنوی ناشی از قرائت خشونت آمیز از کتاب و سنت مهم ترین نقش‌ها را دارند.

۲- صاحب این قلم که پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ چه در آن سالها که شخصا کار سیاسی می‌کرد و چه پس از آن که به دانشگاه رخت کشید، همواره از این قرائت خشن و زیان‌بار انتقادهای صریح و جدی و گاهی گزنده به عمل آورده و برای رسیدن به قرائتی انسانی و معقول و اخلاقی از کتاب و سنت کوشیده است، فکر می‌کند هنگام آن رسیده که آن مراجع والامقام از برج عاج خود فروتنانه بیرون آیند، القاب توهم‌آور را از خود بتکانند و خود را بالاتر از دیگران به حساب نیاورند و به شیوه همه دانشمندان راستین در محیط‌هایی که از هاله‌های آفت آمیز قداستهای موهوم پاک است مانند دانشگاه‌های بزرگ کشور حاضر شوند و روی در روی پرسش‌کنندگان بنشینند و شخصاً این مسئولیت اخلاقی را بپذیرند که به نقدهای عقلانی و اخلاقی جدی که به آراء و افکار و مشی آنها وارد است پاسخ گویند. من معتقدم تا این رویارویی مستقیم اتفاق نیفتد آن محیط بسته سنتی منجمد که مراجع تقلید در آن بسر می‌برند باز نخواهد شد و چرخه عقیم سلطه‌پذیری آنان از عوام و تنها به خواسته‌ها و افکار عوام اندیشیدن و فتوا دادن برای امور مربوط به عوام و تربیت مبلغ برای عوام را مهم‌ترین مشغله خود دانستن، ادامه خواهد یافت و قرائت رسمی دینی کشور ما همچنان قرائت عوامانه خواهد بود.

۳- در ماه‌های اخیر وقتی فشارهای وارد بر صاحب این قلم تا آنجا پیش رفت که مقامات دینی و سیاسی در چندین دانشگاه بزرگ کشور برای سخنرانی اینجانب مانع تراشی کردند و گفتند چون محمد مجتهد شبستری در موضوعات دینی القاء شبهه می‌کند جلسات او باید به صورت مناظره انجام شود، از خود پرسیدم با وضع مبتذل و غیرمؤثر و غیر مفید که مناظرات در کشور ما دارد من با چه کسانی اگر مناظره کنم کار لغو انجام نداده‌ام؟ پس از قدری تأمل پاسخ خود را چنین یافتم که تنها رویارویی مستقیم، با «مراجع تقلید» آنهم در محیط دور از هاله‌های قداست موهوم و پرداختن به پرسشهای بنیادین و طلب جوابهای صریح آن آقایان به این پرسشها و بحث درباره جوابهای آنها است که ممکن است کار لغو نباشد و شاید تاحدودی موجب تحول فکری و تکان خوردن قرائت رسمی منجمد و خشونت‌زای دینی گردد. به خودم گفتم آری تنها در این صورت است که اگر مناظره انجام شود مبتذل و لغو نخواهد بود.

۴- وقتی به این نتیجه رسیدم که تنها مناظره موثر و مفید و غیر مبتذل، مناظره با آقایان مراجع تقلید است طی یک یادداشت. آمادگی خودم را برای چنان مناظره‌ای اعلام کردم و درخواست نمودم فردی از آن آقایان، در دانشگاه تهران که بیش از هر جای دیگر فضای علم است و قداست‌های توهم خیز در آنجا وجود ندارد با حضور اهل نظر و علم و دانشجویان و دیگران با همه ما مستقیماً رویا رو شود و مانند یکی از ما در کنار ما بنشیند و به پرسشهای من و دیگران پاسخ دهد یا آرا و یا افکار مرا نقد کند و شخصا مسئولیت سخنان خود را بر عهده بگیرد. من اعلام کردم که موضوع مناظره می‌تواند این باشد «اعتبار اجتهاد فقهی در جهان حاضر». در نظر داشتم اگر فردی از آقایان اعلام آمادگی کند از ایشان بخواهم در نقد آن چند مقاله که من در آنها اعتبار اجتهاد فقهی آقایان (در غیر مسائل مربوط به عبادات) در عصر حاضر زیر سؤال برده‌ام اقلاً پنج صفحه‌ای بنویسند و منتشر کنند و پس از آنکه علاقمندان، مقالات من و نقد آقایان را خواندند با یکدیگر به مناظره بنشینیم.

۵- گرچه پرسش‌های بنیادین در حال حاضر که متوجه آراء و افکار و فتاوی مراجع تقلید است زیاد است اما من می‌خواستم از آن آقایان در جلسه یا جلسات مناظره، از جمله، این سوالات را بپرسم:

الف- در عصر حاضر اعتبار اجتهاد فقهی شما در غیر از عبادات یعنی اجتهاد فقهی در باب امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جزائی، خانواده و... در جامعه‌ای مدرن مانند جامعه ایران بر کدامین مبناهای معقول و قابل دفاع استوار است؟ و رسیدن به کدامین اهداف مهم را در زیستن انسان ایرانی در جهان مدرن کنونی برآورده می‌سازد؟
ب- چرا تشکلهای جنایتکاری مانند داعش تئوری فقهی خود را در همان فقه سنتی می‌یابند که شما آن را نمایندگی می‌کنید؟ احکام و فتاوی شما در کجاها با احکام و فتاوی داعش متفاوت است؟ آیا شریعت شما همان شریعت داعش است یا با آن متفاوت است؟

ج- شما دلسوزان و رهبران دیانت و ایمان مردم چرا در برابر صدها حادثه زیانبار که در صحنه سیاست و اقتصاد و فرهنگ کشور ما اتفاق می‌افتد و ایمان و دین مردم خصوصاً نسل جوان را بر باد می‌دهد سکوت پیشه می‌کنید و فقط گهگاهی چگونگی لباس بانوان توجه شما را جلب می‌کند که مبادا درهای جهنم باز شود!

چرا آقایان نیامدند؟

اینک از خود می‌پرسم چرا آقایان مراجع تقلید حکومتی درخواست مناظره صاحب این قلم را بی‌پاسخ گذاشتند و به صحنه نیامدند. شاید بتوان سه دلیل ذکر کرد

۱- آنها شأنشان را اجل از این می‌دانند که مستقیماً در مناظره‌ای با دیگران روبرو بنشینند. پاسخ این دلیل این است که مگر آنها خودشان را شاگرد امام صادق (ع) و امام رضا (ع) نمی‌دانند؟ آن دو حضرت مستقیماً با دیگران به مناظره می‌نشستند و این از مسلمات تاریخ تفکر شیعه است آیا آقایان شأن خودشان را بالاتر از امامان شیعه می‌دانند؟
۲- آنان در چنان کهولت سنی به سر می‌برند که شرکت در چنین جلساتی برایشان مقدور نیست. پاسخ این دلیل این است که این مدعا خلاف مشاهدات ما از آنها است خدا را شکر که بعضی از آقایان از سلامت نسبی خوبی برخوردارند و همواره حوزه علمیه از تدریس آنها و عموم مردم از افاضات آنها در تلویزیون در ایام ماه مبارک رمضان و مانند آن استفاده می‌کنند.

۳- آقایان با آن دانش‌ها و اصطلاحات و مفهوما که مجتهد شبستری در استدلال‌های خود از آنها استفاده می‌کند، مانند مفهوما و اصطلاحات مربوط به هرمنوتیک جدید و فلسفه زبان‌های جدید آشنا نیستند و بنابراین مقدمات مناظره فراهم نیست.

تنها مطلبی که در اینجا می‌توانم بگویم این است که اگر دلیل سوم درست باشد معنایش این است که برای آن آقایان محترم اصلاً معلوم نیست که من چه می‌گویم و مبناهای من چیست تا بتوانند درباره صحت و سقم استدلالهای من داوری کنند. اگر اینطور باشد جای این سؤال است که چرا آنان بدون آگاهی لازم از استدلالها و مبناهای من، در خلوت و جلوت به سخنان و افکار و آراء من مارک القاء شبهه، بدعت‌گذاری و انحراف می‌چسبانند و مانع رشد

تفکر دینی و رواج یک قرائت انسانی بدون خشونت از کتاب و سنت در جامعه ما می‌شوند که من با تمام وجودم بر حسب وظیفه اخلاقی در راه آن گام برمی‌دارم.

گمان می‌کنم آن دسته از فضیلتی محترم که در روزهای اخیر پیشنهاد مناظره با اینجانب را داده اند و گاهی خرده گرفته اند که این چه اصراری است که می‌گوئی فقط با مراجع تقلید مناظره می‌کنم، اکنون دلیل اصرار من را با توضیحاتی که دادم درک کنند. من ضمن سپاس‌گزاری از آن فضلا به آنان می‌گویم گرچه بعضی از شما آقایان با من دوستانه سخن نمی‌گوئید ولی من برای همه شما احترام قائلم و به شما عرض می‌کنم آقایان محترم! من کار لغو نمی‌کنم. **إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَنْطَعْتُ** (قرآن مجید/۸۸/۱۱).

منبع: وبسایت شخصی محمد مجتهد شبستری